

## شیخ لطف الله عاملی

### امام مسجد معروف اصفهان

یکی از زیباترین آثار صنعتی اصفهان که هر بیننده را خیره می‌کند و نسبت بهنرمندانی که در انجام آن دخیل بوده اند باظهار تحسین و اعجاب و امیدارد بلا شبهه مسجد شیخ لطف الله است که در ضلع شرقی میدان نقش جهان در برابر عمارت عالی قابویا دولتخانه ساخته شده و بواسطه کاشیکاریهای داخل و خارج گنبد و کتیبه های بسیار عالی که مقداری از آنها بخط عیرضای تبریزی عباسی است از زیبایی و ظرافت کمتر در دنیا نظیر دارد.

این مسجد را شاه عباس اول در سال ۱۰۱۱ هجری یعنی در همان تاریخی که بنای میدان نقش جهان و چهار بازار اطراف آن شروع نمود امر بانشاء داده و بنای آن تا سال ۱۰۲۸ طول کشیده است.

عمده غرض شاه از ساختن این مسجد و مدرسه مجاور آن تهیه محل تدریس و مرکز اقامت و امامتی جهت شیخ لطف الله عاملی بوده است که در آن عهد بتقوی و زهد و جلالت قدر شهرت داشته و شاه بتعظیم مقام و تجلیل او اهتمام تعلق بسیار می نموده است.

مقصود عمده نگارنده در طی این مقاله مختصر اشاره ایست باحوال این شیخ لطف الله و روابط او با تنی چند از مشاهیر علمای آن عصر تا خوانندگان محترم هم نسبت بزادگانی کسی که این مسجد نفیس بنام او شهرت یافته اطلاعی بدست آورند و هم بشمه ای از احوال حوزه علمیه عصر شیخ که بهترین ادوار تاریخ صفویه است آشنایی حاصل کنند.

در نوروز ۱۳۲۰ شمسی که در اصفهان بودم در ضمن خرید مقداری کتاب

خطی مجموعه ای بدستم افتاد حاوی چند نسخه که موضوع جمیع آنها حدیث و رجال است. این مجموعه سابقاً از مملکات شیخ لطف الله عاملی مذکور بوده و خط و مهر او بر پشت ورق اول آن باقیست.

فهرست این مجموعه را شیخ در پشت این ورق چنانکه از ملاحظه عکس آن واضح میشود چنین یادداشت کرده است :

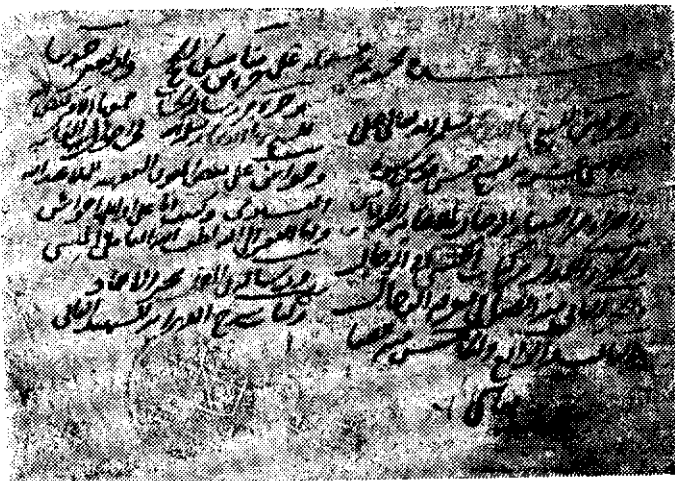
« هذه مجموعة مشتملة على مناسك الحجّ و جزء من رسالة الحساب للشيخ بهاء الدّين محمد سلمه الله و اربعين حديثاً جمعها الامير فيض الله في احوال العامّة و حواش على بعض المتون الفقهية للملا عبد الله التستري و كتبت انا على اوائلها حواش و انا الفقير الى الله لطف الله العاملي الميبي، و رسالة في العمل بخير الآحاد و كتاب شرح الدرّاية للشهيد الثاني و حواش للشيخ بهاء الدّين محمد سلمه الله تعالى على الاثني عشرية للشيخ حسن ٢ قدّس سرّه و اجزاء من اختيار الرجال للملا عناية الكوفايي ٣ و الجزء الأوّل من كتاب الكشي في الرجال و الجزء الثاني منه ايضاً في معرفة الرجال و الثالث و الرابع و الخامس منه ايضاً . »

در ذیل این عبارات که بنا بر شرح مذکور در دنبال نام کتاب ملا عبد الله شوشتری مسلماً بخط شیخ لطف الله عاملی است دو بار نیز نشان مهر او هست و این عبارت بر آن نقش است : « ثقتي بلطف الله تقيني » .

۱ - غرض از امير فيض الله عالم مشهور فقه و اصول سيد امير فيض الله بن عبدالقاهر حسيني تفرشي است که از شاگردان ملا احمد اردبيلي بوده و در رمضان سال ۱۰۲۵ در مشهد مقدّس مرحوم و مدفون شده است و تألیقاتی چند از او باقیست ، برای ترجمه احوالش رجوع کنید برياض العلماء (خطی) در مجلد سوّم از قسم اوّل و نقد الرجال تفرشي ص ۲۶۹ و امل الأمل ص ۵۷ (در خاتمه رجال ابوعلی) و روضات الجنات ص ۵۱۵ .

۲ - یعنی شیخ جمال الدّين ابو منصور حسن عاملی پسر شیخ زين الدّين شهيد ثاني که در متن همین مقاله باحوال او اشاره شده است .

۳ - ملا عناية الله بن شرف الدّين علي کوهپايه ای اصفهانی از علمای رجال و از شاگردان شيخ بهائي و محقق اردبيلي و ملا عبد الله شوشتری است و از علمای مشهور عهد شاه عباس بزرگ (۹۹۶ - ۱۰۳۸) بوده و کتاب اختيار رجال کشي را در محرم ۱۰۱۱ در اصفهان با تمام رسانده و کتاب دیگری نیز دارد در ترتيب رجال نجاشي (برای ترجمه احوالش رجوع کنید برياض العلماء مجلد سوّم قسم اوّل و روضات الجنات ص ۴۱۷) .



## عکس خط شیخ لطف الله

موضوع این رساله ملا عبدالله شوشتری چنانکه از مقدمه آن بر می آید حواشی و تعلیقاتی است از این مؤلف بر رساله «اثنی عشریه» در صلوة از تألیفات شیخ جمال الدین حسن بن زین الدین عاملی (۹۵۹-۱۰۱۱) پسر شهید ثانی و مؤلف کتاب معالم .

در آخر این رساله کاتب آن چنین نوشته : « کتب هذه الرسالة الفقير الى الله الغني حسن بن غالب آل براق الحسني في بلدة اصفهان للمأخى والمؤاخى لوجه الله الطيب الطاهر الفاضل العالم العامل التقى النقى الرضى المرضي شيخ الاسلام و المسلمين شيخ ( كذا ) لطف الله العاملي عامله الله بلطفه و زاد في شرفه في اواخر شهر ربيع الاول سنة الف و اثنى عشر من الهجرة النبوية على مشرتوها السلام والتحية . »  
از این عبارت نیز معلوم میشود که این رساله ملا عبدالله شوشتری را کاتبی بالاخص در شهر اصفهان بتاريخ اواخر ماه ربيع الاول سال ۱۰۱۲ برای شیخ لطف الله تحریر کرده است .

از جمله قرائنی که ذکر شد بخوبی مسلم است که مجموعۀ مذکور در فوق که اکنون در تصرف نگارنده این سطور است روزگاری بشیخ لطف الله عاملی امام و مدرس معروف عهد شاه عباس بزرگ تعلق داشته و خداداداناست که بعد از آن مرد که بسال ۱۰۳۲ فوت کرده این

مجموعه بچند دست گشته است و بعد از این چه سرنوشتی پیدا کند!  
 در جزء این مجموعه چنانکه مشاهده فهرستی که شیخ خود برای آن ترتیب  
 داده مینمایاند در رساله از تألیفات دو تن از بزرگان علمای معاصر شیخ لطف الله  
 موجود است یکی از شیخ بهاء الدین محمد عاملی یعنی شیخ بهائی معروف (۹۵۳-  
 ۱۰۳۰) که شیخ نام او را در این فهرست با جمله دعائیه « سلمه الله » یاد میکند دیگر  
 ملا عبدالله بن حسین شوشتری (متوفی سال ۱۰۲۱) از علمای زاهد و عابد عصر شاه عباس  
 بزرگ و از مشایخ ملا محمد تقی مجلسی اول و میر مصطفی تفرشی مؤلف کتاب نقد الرجال  
 اگر چه در فهرست این مجموعه شیخ لطف الله در ذکر ملا عبدالله شوشتری  
 بهمان قید نام او قناعت ورزیده و در حواشی و تعلیقاتی هم که بر کتاب او نوشته آرا می  
 برخلاف آراء فقهیه او اظهار داشته است لیکن در همین حواشی باز از حد ادب نسبت  
 باو خارج نشده و با جمله دعائیه « دام ظلّه » باو اشاره میکند.

مابین شیخ بهائی و شیخ لطف الله چنانکه از تواریخ آن عهد بر می آید صفای  
 کامل برقرار بوده و شیخ بهائی بعلم و فضل و فقه شیخ لطف الله اعتقاد داشته و مردم  
 را بر جوع باو در این مسائل و امی داشته<sup>۴</sup> بعلاوه شیخ بهائی از مشایخ اجازه شیخ  
 لطف الله بوده و در تاریخ جمادی الاولی ۱۰۳۲ رسماً بوی اجازه روایت قسمت عمده  
 مؤلفات خود را بخط خویش داده است.<sup>۵</sup>

اما بین شیخ لطف الله و همعصر دیگرش ملا عبد الله شوشتری در مسائل  
 علمی ظاهراً چندان توافق وجود نداشته و مؤلف عالم آرای عباسی و بنقل از او  
 مؤلفین ریاض العلماء و مستدرک الوسائل نوشته اند که شیخ لطف الله عاملی و میر  
 محمد باقر داماد (متوفی سال ۱۰۴۰) در مباحث علمی و اجتماعی همه وقت با ملا  
 عبدالله شوشتری مناقشاتی داشته اند و این کیفیت تا آخر عمر ملا عبدالله همچنان  
 باقی بود، با این حال در روز شنبه ۲۵ محرم ۱۰۲۱ موقی که ملا عبدالله شوشتری بر

۴ - روایات الجنات ص ۵۱۹ و ریاض العلماء قسم اول جلد سوم (خطی) در احوال

شیخ لطف الله و اهل الآمل قسم اول (خطی)

۵ - بحار الأنوار (کتاب الاجازات) ج ۲۶ ص ۱۳۰ - ۱۳۱ و کتاب الذریعة الی

تصانیف الشیعة ج ۱ ص ۲۳۸

بستر احتضار افتاده بود میر داماد و شیخ لطف‌الله بیعت او رفتند.

ملا عبدالله بر سر و گردن این دو تن خصم علمی خود بوسه داد و با خوشی و شادی تمام با ایشان معامله نمود و صبح روز بعد جان سپرد.

مطابق اسنادی که بدست است مناقشه ملا عبدالله شوشتری باشیخ لطف‌الله عاملی غالباً مقرون بشرایط احترام و ادب بوده در صورتیکه میان او و میر داماد گاهی کار بصورت‌های زشت تری نیز میکشیده است. ما برای آنکه نمونه ای از این گونه مناقشات حوزه علمیه آن عصر بدست دهیم عین دو مراسله ای را که بین میر داماد و ملا عبدالله شوشتری مبادله شده از کتاب نفیس ریاض العلماء نقل میکنیم. عین این مکتبه را صاحب روضات الجنات نیز بنقل از ریاض العلماء در شرح حال ملا عبدالله شوشتری آورده است. ۷

این است نوشته میر داماد بملا عبدالله :

« عزیز من جوابست این نه جنگست کلوخ انداز را پاداش سنگست ۸  
رحم الله امرءاً عرف قدره و لم يتعد طوره ، نهایت مرتبه بی‌حیاست که نفوس  
مطلبه و هوایات هیولانیه در برابر عقول مقدسه و جواهر قادسه ۹ بلاف و گزاف  
بی معنی برخیزند ، اینقدر شعور باید داشت که سخن من فهمیدن هنر است نه با من جدل  
کردن و بحث نام نهادن چه معین است که ادراک بمراتب عالیه و بلوغ بمطالب دقیقه کار هر  
قاصر الدرکی و پیشه هر قلیل البضاعتی نیست .

فلا محاله مجادله با من در مقامات علمیه از باب قصور طبیعت خواهد بود نه از باب دقت  
طبع. مشتی خفاش همت که احساس محسوسات راعرش المعرفة دانش پندارند واقصی الکمال

۶ - عالم آرای عباسی ص ۶۰۸ و ریاض العلماء در ترجمه احوال ملا عبدالله شوشتری

و مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۴۱۵

۷ - رجوع کنید بروضات الجنات ص ۳۶۷ - ۳۶۸

۸ - این مصراع دوم را روضات الجنات اضافه دارد و در ریاض العلماء نیست .

۹ - لابد مشاهده این قبیل عبارات مقله از میر داماد بوده است که ظرفاً را بوضع  
حکایت مشهور در باب سؤال و جواب این حکیم در شب اول قبر با نکیرین و اداشته بگفته  
این ظرفاً نکیرین از میر داماد پرسیدند : « من ربك » میر در جواب گفت :

« اسطقس فوق الاسطقسات » چون نکیرین معنی عبارت را درک نکردند بعرض الهی  
عرض کردند که بنده ای آمده است و بیبارتی سخن میگوید که معنی آن بر ما میسر نیست  
جواب آمد که او را رها کنید که در دنیا نیز چیزهایی میگفت که درک معنی آن میسر نبود .

هنر شمرند با زمرهٔ ملکوتیین که مسیر آفتاب نملقشان بر مدارات انوار عالم قدس باشد لاف تکلف زند و دعوی مغاصت کنند روا نبود و درخور نیفتد ولیکن مشاکسهٔ وهم با عقل و معارضهٔ باطل با حق و کشاکش ظلمت با نور منکر نیست نه حادث و بد عیست نه امروزی والی الله المشتکی والسلام علی من اتبع الهدی

وإذا انتك مذمتی من ناقص  
خاقانی آن کسان که طریق تو میروند  
گیرم که مارچوبه کند تن بشکل مار  
کوزهر ببردشمن و کو مهره ببردوست  
فهی الشهادة لی بانی کامل  
زاغند و زاغ را روش کبک آرزوست  
انتهی

جواب ملا عبدالله شوشتری بمیر داماد:

«جانا ز زبان ما سخن میگوئی، رحم الله امره عرف قدره، بدا حال کسی که من ارسل الله را از نفوس معطله شمارد و دعوی اسلام کند. انتهی»  
اما این حال خصومت و منافست چنانکه سابقاً هم اشاره کردیم هر چه بود با فوت ملا عبدالله از میان رفته و گویا اغماض و انبساطی که این مرحوم در حال احتضار از خود نشان داده مناقشهٔ دیرینه را بصلح و صفا متبدل ساخته بوده است چنانکه پس از فوت ملا عبدالله میر داماد بامامت از علمائی که بتشیع جنازهٔ او آمده بودند بر نعش آن مرحوم نماز گزارده است ۱۰.

ملا عبدالله شوشتری وقتی بعلتی از شاه عباس وحشتی بهم رسانید و باستانهٔ قدس رضوی پناه جست چون شاه در سال ۱۰۰۹ بمشهد مشرف شد خود بملاقات ملا عبدالله رفت و او را بتعظیم و احترام تمام باصفهان آورد و ملا عبدالله در دستگاه شاه نفوذ کلمه و قدرت بسیار یافت چنانکه شاه را واداشت تا در سال ۱۰۱۷ جمیع املاک شخصی خویش را بنام چهارده معصوم وقف کند و حاصل سالیانهٔ آنها را برای سادات مقرر دارد و هم با اشارهٔ او بود که شاه در اصفهان دو مدرسه در کنار میدان نقش جهان یکی برای تدریس و اقامت ملا عبدالله دیگری برای تدریس و اقامت شیخ لطف الله عاملی ساخت. مدرسهٔ ملا عبدالله در جنب سردر قیصریه در ضلع شمالی میدان نقش جهان هنوز بریاست لیکن مدرسهٔ شیخ لطف الله که بمسجد او چسبیده بوده حالیه از حال آبادی افتاده است.

اما شیخ لطف الله بن عبدالکریم بن ابراهیم اصلاً از مردم میس از قرای جبل عامل یعنی جبل لبنان حالیه است و خاندان او همه از فقهای امامیه بوده چنانکه پدر و جد و جد اعلی و پسرش همه باین عنوان اشتهار داشته اند. بمناسبت سعی بی اندازه پادشاهان صفوی در ترویج احکام مذهب تشیع و تشویق و اکرام فقهای آن شیخ لطف الله میسی عاملی نیز مانند جمع کثیر دیگری از علمای بحرین و جبل عامل در اوایل عمر از موطن خود بقصد ایران عازم و ابتدا در مشهد مقدس مقیم شد و در آنجا پس از استفاضه از محضر علمای ارض اقدس از جمله ملا عبدالله شوشتری ۱۱ از جانب شاه عباس بزرگ بخدمت آستانه رضوی برقرار گردید و تا تاریخ فتنه از بکان و دست یافتن ایشان بر مشهد در آن شهر مقیم بود. سپس از شر ایشان بقزوین پناه جست و در آنجا بکار تدریس مشغول شد. شاه عباس او را از قزوین باصفهان آورد و در سال ۱۰۱۱ در جنب میدان نقش جهان مدرسه و مسجدی را که هنوز هم بنام او شهرت دارد برای محل تدریس و اقامت و امامت او پی نهاد و انجام این کار چنانکه بیشتر گفتیم تا ۱۰۲۸ طول کشید و در حین اتمام همین عمل بود که شاه عباس بتاریخ سال ۱۰۱۱ در قسمت جنوبی میدان طرح انشاء جامع جدید یعنی مسجد شاه را ریخت.

از بعد از آنکه مدرسه و مسجد شیخ لطف الله برای تدریس و نماز گزاری مهیا گردید این مرد جلیل محترم در آن مدرسه مقیم و در آن مسجد و مدرسه بامامت و تدریس مشغول گردید و شاه برای وجه معاش او وظیفه و ادراری معین و مقرّر داشت شیخ در مسائل فقهی و فتاوی شرعی بعضی آراء و عقاید خاص داشت و به گفته مؤلف ریاض العلماء با علمای هم عصر خویش در سر پاره ای از این مسائل بغیر حق مناقشه میکرد از آنجمله اقامه نماز جمعه را در غیاب امام زمان واجب میشمرد و

۱۱ - این شهاب الدین عبدالله بن محمد شوشتری استاد شیخ لطف الله را که در سال ۹۹۷ در مشهد بدست از بکان اسیر افتاده و در بخارا بتوسط ایشان شهید شده است نباید با ملا عبدالله بن حسین شوشتری سابق الذکر متوفی بسال ۱۰۲۱ که معارض شیخ لطف الله بوده اشتباه نمود. شهاب الدین عبدالله را بعضی از مؤلفین بلقب شهید ثالث یاد کرده اند.

شخصاً در مسجد خود هر جمعه باین عمل ادامه میداد و مقلدین او از او تبعیت میکردند تا لیقات شیخ بیشتر منحصر بحواشی و تعلیقاتی است که او بر کتب فقهیه علمای قبل از خود نوشته و رسائلی که بررد فتاوی دینی معاصرین بر رشته نگارش در آورده است شیخ لطف الله از علوم ادبی نیز بی نصیب نبود و گاهگاهی بگفتن شعر هم طبع آزمائی میکرد.

تاریخ وفات شیخ لطف الله را مؤلف کتاب مجمل التواریخ ۱۲ در سال ۱۰۳۲ یعنی در همان سالی که بغداد بتصرف شاه عباس در آمد، می نویسد همچنین در عالم آرای عباسی تاریخ فوت او را مؤلف این کتاب در ذیل وقایع همین سال ۱۰۳۲ می آورد و صریحاً میگوید که: «شیخ لطف الله میسی عرب جبل عاملی در اوایل این سال قبل از سفر دارالسلام بغداد که سنور رایات جلال در بیلاقات فیروز کوه بود در اصفهان مریض گشته بعالم بقاء پیوست ۱۳ هـ. میرزا عبد الله افندی مضمون همین جمله را در ریاض العلماء از عالم آرا نقل میکنند و میگوید که فوت شیخ در اوایل سال ۱۰۳۲ اندکی قبل از فتح بغداد اتفاق افتاده. تاریخ فتح قلعه بغداد روز یکشنبه ۲۳ ربیع الاول از سال ۱۰۳۲ است.

مؤلف عالم آرا در ذکر تاریخ فوت شیخ لطف الله گوید که در حین تحریر تاریخ وفاتش بخاطر رسید:

رخت بر بست از جهان بیمدار	شیخ لطف الله رفت از دار دهر
شد جنانش مأمّن و دار القرار	عزم عقیبی کرد از دنیای دون
گفت بامن نکته ای آن پیر کار	سال تاریخش همی جستم ز عقل
سال تاریخ وفاتش آن شمار	چون دوه لاه از نام او ساقط کنی

۱۲- این کتاب مختصر بسیار مفید تاریخ مجملی است عمومی ولی فصل صفویه آن بالنسبه مفصل تر و حاوی اطلاعات بسیار سودمندی است و مؤلف آن که علی المعالیه دانشمندیست کتاب خود را در عصر شاه عباس ثانی تألیف کرده. نسخه خطی آن ملک مدیر این مجله است و نسخه دیگری از آن نیز در کتابخانه عمومی معارف وجود دارد.



تمام این قطعه در ریاض‌العلماء و بیت آخر آن در روضات‌الجنت است با این تفاوت که هردو مؤلف بجای «دولام» که در نسخه چاپی عالم آرا طبع طهران ص ۷۱۰ همچنین است «دولام» ضبط کرده اند. چون نسخه ریاض‌العلماء که در دست نگارنده است بخط دست مؤلف فاضل آن است یقیناً او از نسخه مغلوطنی از عالم آرا این قطعه را نقل کرده و بدون آنکه ملتفت تناقضی که بین تصریح مؤلف عالم آرا در تاریخ وفات شیخ و این ماده تاریخ بشکلی که او ضبط کرده بشود آن را بهمین طریق استنساخ نموده است.

صاحب روضات‌الجنت که در این مورد بعالم آرا مراجعه ننموده و بیت آخر قطعه را از کتابی بنام محافل‌المؤمنین نقل کرده و «دولام» را «دولام» خوانده و واضحاً میگوید که چون از جمله «شیخ لطف‌الله» ۱۴ که بحساب جمل با ۱۰۹۵ برابر است دولام یعنی ۶۰ کم کنیم ۱۰۳۵ میماند پس ۱۰۳۵ بعقیده صاحب روضات سال فوت شیخ است و این بشرحیکه گذشت درست نیست و سه سال بعد از تاریخ واقعی فوت شیخ است. با تمام این احوال ماده تاریخ که صاحب عالم آرا برای سال مرگ شیخ لطف‌الله ساخته با تاریخ واقعی فوت وی که خود این مؤلف بدست میدهد یعنی با ۱۰۳۲ يك سال تفاوت دارد باین معنی که چون از جمله «شیخ لطف‌الله» که بحساب جمل با ۱۰۹۵ برابر است دو «لام» یعنی دو ۳۱ که ۶۲ باشد ساقط نماییم باقی ۱۰۳۳ میشود نه ۱۰۳۲ و چون تفاوت بنکسال در ماده تاریخها زیاد بنظر رسیده امرچندان محل اشکال نیست و صحیح در این مورد بنظر نگارنده همان تصریح مؤلف مجمل‌التواریخ و خود صاحب عالم آرا است که آنرا بسال ۱۰۳۲ اندکی قبل از فتح بغداد دانسته‌اند نه این ماده تاریخ معلول.

۱۴ - مؤلف روضات تصریح میکند که برای استخراج این ماده تاریخ باید تمام جمله «شیخ لطف‌الله» را بدون حذف کلمه شیخ نام او شمرد تا حساب درست درآید و در اینجا کاملاً حق با اوست و مؤلف این نکته آنکه کاتب رساله سابقه‌الدکتر ملاعبدالله شوشتری بشرحیکه در متن همین مقاله نقل کرده‌ایم در طبع عبارات عربی نام شیخ را بدون الف و لام ذکر میکنند و او را «الطیب الطاهر الفاضل العالم العامل النقی النقی الرضی المرضی شیخ لطف‌الله» مینویسد نه «الشیخ لطف‌الله».